

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

یادداشت:

نخست از همه تشریف آوری تان را به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" خیر مقدم می گوئیم.

هموطن عزیز!

همانطوری که ما بار ها یادآوری نموده ایم باز هم خدمت شما و سایر خوانندگان من جمله آن عده از قلم به دستانی که به ما افتخار همکاری را بخشیده اند، یک بار دیگر ابراز می داریم:

این که زحمت گرداندگی و انجام کار های تخنیکی پورتال را متقبل شده ایم از دید ما بدان معنا نیست که خوانندگان و نویسندگان خارج از اداره پورتال در تکامل کار و تعمیق جهت دهی سازنده پورتال نقشی نداشته و می باید همه چیز را به خود ما واگذار کردند. عکس آن، ما را اعتقاد بر آن است که یک رسانه مدرن هیچ گاهی حیثیت جاده یک طرفه را نداشته و نباید داشته باشد؛ بلکه با تمام قوا باید بکوشد تا در کنار انجام بخش های دیگر وظایف، همیشه روی مناسبات "داد و گرفت" نزدیک ترین رابطه را با خوانندگان خویش قایم نموده کوشش نماید تا آئینه تمام نمای امیال و آرزوهای معقول و انقلابی خوانندگان خویش نیز باشد.

با حرکت از همین اعتقاد وقتی متیقین گردیم که خوانندگان گرانقدر ما در پهلوی آرزوی افشای جنایتکاران سه دهه اخیر و در رأس همه "مزدوران روس"، خود نیز حاضرند در چنین نبردی سهم خویش را اداء نمایند می توانید مطمئن باشید که هیچ نیروئی نخواهد توانست ما را از همراهی مبارزاتی با مردم رنج دیده و دربند ما باز داشته و جنایتکاران را از آماج حملات ما رهائی بخشد.

به همین مناسبت جا دارد ضمن آن که از جناب شما به خاطر ارسال مطلب ارزنده تان به آدرس پورتال و لطفی که در حق متصدیان و همکاران تخنیکی آن ابراز داشته اید صمیمانه سپاسگزار باشیم، دوستانه نیز تمنا نمائیم که وقتی بنا بر اجابت تقاضای خوانندگان عزیز چنین نبردی آغاز یابد همیشه در کنار ما باقیمانده سایر دوستان را در نیز در تجمع به این سنگر و شرکت در این نبرد فراخوانید.

به امید روزی که جنایتکاران دیگر جرأت دفاع از جنایت را نداشته باشند.

اداره پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"

جنایت را نکوش وجانیان را معرفی کنیم!

خواهران و برادران هم میهن ورنجدیده، ناشران محترم پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان!" با دل‌بستگی به صراحت شما وبا علاقه به بی تعارفی تان، با احساس خوب از نترسی وجرأت و جسارت شما و آرزوی نشرچند سخن دلم، این چند سطررا روی کاغذ می آورم .

یک عمرست که خلق رنجدیده ما رنج و فشار هر روز بیشتر را بردوش میکشد. ظلم و ستم عبدالرحمن خانی، تاخاندانی آل یحیی، خلق و پرچم، احزاب اسلامی، طالب و فرستاده امریکا یعنی دولت جمهوری اسلامی ، هریک به طریقی دل این خلق دل آزرده را شکسته اند. دل انسان به گریان می آید که خون جگر نمودن مردم مستمند و فقیر و نادار و بیچاره را هیچکدام از آنها قبول نداشته و قبول ندارند. آیا شما با این موضوع موافقت نخواهید داشت؟ جواب خودم این است که شما این موضوع را قبول دارید. یکی از علی که نامه را برای تان ارسال میکنم هم این است که در پیشانی پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" این امید را دیده ام.

حالا از مقدمه طولانی تر صرفنظر کرده انگیزه اصلی خود را می گویم .

چند وقت پیش از قلم محترم باقی سمندر سوالهایی را از آقای "صمد ازهر" مطالعه کردم که به علت پیش آمد مسافرتی نتوانستم آن را تعقیب کنم که چه جواب نوشت. دیروز وقتی به مطالعه چند وبسایت و پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" مصروف شدم. بازهم چشمم به نوشته ای در باره یک نوشته "صمد ازهر" خورد. شخصی که پولیس حزبی بود، سفیر شد و تقریباً تمام خانواده از کادرهای جناح پرچم حزب نا دموکراتیک و دشمن خلق افغانستان بودند. نویسنده آقای عتیق الله نایب خیل موضوعاتی را تذکر داده اند که نزد خود گفتم بروم و زود نوشته آقای "ازهر" را مطالعه نمایم. شروع کردم نوشته ای را که دل آدم را آزرده ترمیکند، با صبر و حوصله و بردباری بخوانم. یعنی کم حوصله نشدم که بگویم حیف وقت من که نوشته یک فرد از چهره های لفاظ با آن سابقه بد و دارای دست های سرخ از رنگ خون خلق را بخوانم. چون درین روزها برادرهایم در کابل هم از بی عدالتی و انتخاب نشدن در ولسی جرگه شکایت دارند و یگان مظاهره هم میکنند، باز نزد خود گفتم که حتماً نوشته اش را تا آخر بخوانم.

در تحریرات جناب شان، یک وده موضوع نبود. اگر تمام آن را حساب نمایم بیشتر بود. حالا به چند موضوع یعنی به موضوع ستمگری، وطنفروشی و دروغگویی آنها مراجعه می نمایم. همان موضوعاتی را که قبول ندارند. قبول ندارند که در حق خلق افغانستان ستم کرده اند

قبول ندارند که وطنفروش بودند. باحمله سوسیال امپریالیسم شوروی به افغانستان یکجا آمدند.

قبول ندارند که دروغگو اند.

من از مشت نمونه خروار اگر بگویم تازه ترین مثال را در نوشته جناب "ازهر" دیدم. خواهش دوستانه من از شما این میباشد که موضوعات فوق را به بحث بگیرید. نویسندگان را دعوت کنید که سهم بگیرند و نظرات خود را بدهند. کسانی که نمیخواهند درین بحث ها سهم بگیرند دلیلش معلوم شود. طوریکه من دیده و خوانده ام چندنویسنده به این موضوعات علاقه دارند و بس. به فکر من باید نویسندگان پورتال ها و مجلات همه درین قسمت حصه بگیرند. زیرا خلق رنجیده ما زیر لگد بوده ولی لگدزنان و آدمکشان ادعا دارند که ما پای نداشتیم که کسی را لگد بزنیم. این بود خواهش این برادران